

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

استاد محمد نسیم «اسیر»
بن - المان، می ۲۰۰۰م

معاشقه در اینترنت (Internet)

در جهان پر از فساد حرون چه عجایب کشیده، سر بیرون
که سراپاست، پا و سر بازی هم نظر بندی، هم نظر بازی
زین عجایب درین جهان غریب کمپیوتر وسیله ایست عجیب
زان عجب تر بلای (Internet) شهرت ماجرای (Internet)
روی این صفحه رازهاست عیان در پس پرده رمزهاست نهان
دوستانان بصورت، از هم دور روی این پرده حاضران و حضور
دُکمه ای را اگر فشار دهی یار را در کنار یار نهی
از قضا نوجوان صاف دلی زین دریچه سپرد دل به گلی
به تفنن نوشت I love you زود آمد جواب، Love you too
با سوال و جواب برق آسا نوجوان گشت عاشق شیدا
چشم نادیده، گوش نشنیده سینه بر سنگ عشق سائیده
با طرف از کمال صدق و صفا بست پیمان آشنائی ها
قول بگرفت و هم قرار گذاشت دل، ندیده به دست یار گذاشت
عهد و پیمان دوستی بستند که ز هم نگسلند تا هستند
عشق شان، عشق پایدار بود تا که هستند، استوار بود
دانه مهر کاشتند به هم قول محکم گذاشتند به هم
تا به هم هر دو ازدواج کنند فکر و آهنگ تخت و تاج کنند

با چنین عشق های ماشینی یا به این سادگی و خوش بینی
یادم آمد ز عشق های بزرگ جان نثاران این بنای بزرگ
که به سر این طریق پیمودند جان درین ره سپرده آسودند

آن یکی عاشق بیابان گرد وان دگر کوه کند همچون مرد
درد فرهاد و محنت مجنون آن تنش خسته ، این دلش پر خون
سینه کوه می شکافت به سر سوی صحرا همی شتافت دگر
با لب خشک و سینه سوزان دردل دشت و کوه هر دو روان
آن زمان عشق و جان سپاری بود گریه بُد ، ناله بود و زاری بود
دروصالش چه شور بود و چه حال در فراقش چه حال بود و چه قال
عمرها شد که این فسانه بجاست هم به جای است تا جهان برپاست
لیک ازین عشق های زود گذر ریشه نگرفته حاصل است و ثمر
راست گویم مرا عجب آید
که چنین عشق پرثمر پاید